

مقدمه ای بر عهد عتیق

Introduction to the Old Testament

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

June 30, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

$\gamma\sigma$

«برای ما بزرگترین مهر تأیید عهد عتیق این است که آن از خود مسیح جاری شده است... آنچه که برای نجات‌دهنده ضروری است برای نجات یافتگان هم ضروری است.»

— پروفیسور جی. ای. اسمیت (G. A. Smith)

1. نام «عهد جدید»

پیش از اینکه وارد دریای بیکران بررسی عهد عتیق شویم، و یا حتی بررسی قسمتهای کوچک از کتابهای آن، بهتر آن است که رئیس مطالب برخی از حقایق کلی در مورد کتابهای مقدسی که ما آنها را «عهد عتیق» می‌نامیم برایتان بیان کنیم.

واژه «عهد» ترجمه‌ایست از واژه عبری *berîth*. در عهد جدید هم واژه پیمان و هم عهد ترجمه‌های هستند از معادل یونانی آن (*diathēkē*). در عنوان متون مقدس به نظر مفهوم «عهد» بسیار بارز است زیرا تمام این کتابها یک پیمان، اتحاد، و یا عهدی را میان خدا و قوم او برقرار می‌کنند.

این قسمت بدین منظور عهد عتیق نامیده شده است تا آن را از عهد «جدید» مجزا کند، اگرچه «عهد قدیمی‌تر» به نظر عنوان بهتری است چرا که در نظر برخی عتیق یا قدیمی بیانگر این موضوع است که نیازی به آموختن آن نیست. از نگاه روحانی، تاریخی، و فرهنگی این اشتباهیست بسیار مهلك. درحالیکه ایماندار به مسیح دائماً به آن قسمت از کلام خدا که به طور خاص از خداوند ما، کلیسایش و انتظار او از شاگردانش صحبت می‌کند، نمی‌توان اهمیت عهد عتیق را برای یک ایماندار ناب نادیده گرفت.

آگوستین قدیس ارتباط میان عهد عتیق و عهد جدید را بسیار زیبا بیان کرده است:

**عهد جدید در عهد عتیق پنهان است؛
عهد عتیق در عهد جدید نمایان شده است.**

2. کائن عهد عتیق

واژه کائن (یونانی: *kanōn*) اشاره دارد به «قاعده‌ای» که چیزی را با آن ارزیابی می‌کنند و یا می‌سنجند. کائن عهد عتیق مجموعه‌ای است از کتابهای الهامی اما معتبر که رهبران روحانی اسرائیل در زمانهای قدیم آنها را به رسمیت شناختند. ما از کجا بدانیم که اینها همان کتابهایی هستند که باید در مجموعه کائن جای داده می‌شدند و یا چگونه همه این سی و نه کتاب باید در این مجموعه جای داده شوند؟ از آنجایی که از همان روزهای اول نوشته‌های مذهبی دیگری هم وجود داشتند (شامل کتابهای بدعتی)، پس چگونه ما می‌توانیم اطمینان حاصل نماییم که اینها باید همان کتابهای اصیل باشند؟

غالباً گفته شده است که شورای یهود در اواخر قرن اول فهرست کائن را به رسمیت شناخت. یهودیان با ایمان و کارآموده شریعت متون الهامی را از همان ابتدا جدا کرده بودند و می‌شناختند. با اینحال دوره‌ای بود که بر روی برخی از کتب بحث و اختلاف نظر وجود داشت (استر، جامعه، غزل غزلها و غیره).

یهودیان عهد عتیق را به سه قسمت تقسیم می‌کنند: تورات، انبیا (بزرگ و کوچک)، و مکتوبات. نظرات گوناگونی در باب این موضوع مطرح شده است که چرا به عنوان مثال کتاب دانیال، یک نبوت، باید در میان مکتوبات باشد و نه در میان کتب انبیا. یک نظریه رایج لیبرال این است که دانیال بسیار دیرتر نوشته شده و به همین دلیل در قسمت دوم جای داده نشده است، که در واقع هنگامی که دانیال کتاب را نوشت این قسمت به پایان رسیده بود (نگاه کنید به مقدمه‌ای به کتاب دانیال). نظریه محافظه‌کار دانیال را به این دلیل در قسمت سوم می‌بیند که او یک نبی رسمی نبود، بلکه یک مقام دولتی که خدا از او برای نبوت استفاده کرد. دکتر مریل اف. اونگر (Dr. Merrill F. Unger) چنین تعلیم داده است که این سه قسمت بر اساس مقام نویسندگان مشخص شده است:

این یک دیدگاه محافظه‌کارانه و درست است (که به آن معتقدیم). کتابهای عهد عتیق با این هدف مشخص نوشته شده‌اند که مقدس و دارای اعتبار الهی باشند. بنابراین، آنها مهر کانی بودن خود را از همان بدو نگارش بر خود داشته‌اند. این تقسیم‌بندی سه‌تایی به خاطر منصب رسمی و موقعیت نویسندگان تعیین شده است و نه بر اساس درجات الهامی بودن و تفاوت در محتوا و زمان.

شورایی که به طور رسمی کائن موجود را به رسمیت شناخت در واقع آنچه را که در طی قرنهای پیش پذیرفته شده بود تأیید نمود. این شورا یک فهرست الهامی از این کتابها تعیین نکرد، بلکه فهرستی از کتابهای الهامی.

و برای مسیحیان مهم‌تر آن که خود خداوند ما بارها از سه قسمت عهد عتیق یهودی نقل قول کرده و آن را معتبر دانسته است. به عنوان مثال، لوقا 24:27 و 44. علاوه بر این مسیح هیچگاه از کتابهای به اصطلاح قانون ثانی (آپوکریفا) نقل نکرده است.

3. کتب آپوکریفا (قانون ثانی)

ارتودکس شرق، کاتولیک رومی، و دانشجویان کتاب مقدس پروتستان همه بر سر بیست و هفت کتاب کائن عهد جدید اتفاق نظر دارند، عموماً بر اساس همین ترتیب موجود و همان 260 باب. اما وضعیت عهد عتیق کمی پیچیده‌تر است.

پروتستانها و یهودیان همه بر روی محتوای عهد عتیق اتفاق نظر دارند، اما ارتودکس‌های شرق و کاتولیک‌های رومی کتابهای گوناگونی از تاریخ و شعر یهودی را به این مجموعه افزوده‌اند و آنها را «کتب قانون ثانی» نامیده‌اند و پروتستانها و یهودیان آنها را «کتب آپوکریفا» (در یونانی به معنای «مخفی» است) نامیده‌اند.

سی و نه کتاب نسخه موجود کینگ جیمز، کینگ جیمز جدید و دیگر نسخه‌های معتبر پروتستان همان محتوای بیست و چهار کتاب کتاب مقدس عبری را شامل می‌شوند. تفاوت در میان تعداد به خاطر ترکیبات گوناگونی که در ویرایش‌های یهودی وجود دارد، است. به عنوان مثال شش کتاب سموئیل، پادشاهان و

تواریخ تنها سه کتاب محسوب می‌شوند و کتب انبیای کوچک «کتاب دوازده» نامیده شده است و در يك کتاب گردآوری شده‌اند.

یهودیان بسیاری از کتابهای دیگر را هم نوشته‌اند که اغلب به زبان عبری نیست و آنها را الهامی و یا معتبر بر نمی‌شمارند. برخی همچون کتابهای اول و دوم مکابی برای تاریخ بین دو عهد بسیار حائز اهمیت هستند. دیگر کتابها همچون «بعل و اژدها»، تنها از این نظر ارزش دارند که با خواندن آنها به غیر کانتی بودن آنها پی‌می‌بریم.

در میان کتابهای یهودی کم‌ارزش‌ترینها را «کتب جعلی» نامیده‌اند و بهتر است که آنها را آپوکریفا بنامیم.

برخی از یهودیان و مسیحیان قدیم، اما به طور خاص ناستیکهای مصر کائن وسیع‌تری دارند که برخی ز این کتابها را نیز شامل می‌شود.

هنگامی که دمشق اسقف روم از متفکر مسیحی جروم قدیس خواست که کتب آپوکریفا را ترجمه نماید او این کار را با اعتراض انجام داد. به این خاطر که او بر عبری مسلط بود و همچنین از این جهت که آنها اصالتاً جزو کائن یهودی نبودند. با اینحال گرچه جروم می‌توانست تشخیص دهد که آنها در درجه دوم اهمیت قرار دارند، اما این کتب را برای نسخه لاتین ولگیت (Vulgate) ترجمه کرد. امروزه این کتابها در نسخه‌های کاتولیک رومی دیده می‌شوند، نسخه‌هایی همچون کتاب مقدس جدید آمریکایی (New American Bible) و کتاب مقدس اورشلیم (Jerusalem Bible)، و عموماً در نسخه‌های جهانی همچون کتاب مقدس جدید انگلیسی (New English Bible)، کتاب مقدس اصلاح شده انگلیسی (Revised English Bible) و نسخه جدید استاندارد اصلاح شده (New Revised Standard Version).

حتی کلیسای کاتولیک رومی تا دوران ضد اصلاحات (1500م) به طور رسمی کتب آپوکریفا را در زمره کائن قرار نداد. یکی از دلایلی که واتیکان این کار را کرد این بود که برخی از تعالیم آنها همچون دعا کردن برای مردگان، در کتابهای آپوکریفا یافت می‌شود. در حقیقت آپوکریفا يك اثر تاریخی و ادبی یهودی است، و مستقیماً به آموزه‌های مسیحی ارتباطی ندارد. گرچه این کتابها الهامی نیستند اما از نظر فرهنگی و تاریخی ارزش خواندن را دارند البته پس از اینکه شخص درکی استوار از کتب الهامی کائن عبری به دست آورد.

4. نویسنده

نویسنده الهامی عهد عتیق روح القدس است. او موسی، عزرا، اشعیا و دیگر نویسندگان ناشناس را هدایت کرد تا با الهام از او بنویسند. بهترین و صحیح‌ترین درك از این موضوع که چگونه کتب عهد عتیق نگاشته شده‌اند به دو نویسنده معروف است. عهد عتیق اینگونه نیست که قسمتی از آن الهامی و قسمتی از آن انسانی باشد، بلکه در آن واحد هم کاملاً الهامی و هم کاملاً انسانی است. عنصر الهامی باعث شده که عنصر

انسانی را از اشتباه کردن باز دارد. نتیجه آن يك كتاب عاري از اشتباه و بي عيب در نسخه اصلي بوده است.

تحليل مفيد از كلام مكتوب را مي توان ذات دوگانه كلام زنده، عيسي مسيح خداوند بر شمرد. مسيح نه تا يك اندازه انسان و نه تا يك اندازه خدا است (مانند برخي از اسطوره هاي يوناني) بلکه در يك آن هم كاملاً انسان و هم كاملاً خدا است. ذات الاهي اشتباه و گناه به هر شكل را غير ممكن ساخته است.

5. تاريخ نگارش

بر خلاف عهد جديد که تقريباً نيم قرن طول کشيد تا تمام آن نوشته شود (حدود 50 الي 100 ميلادي)، تقريباً هزار سال طول کشده است تا عهد عتيق به رشته تحرير در آيد (حدود 1400 الي 400 ق.م). اولين کتابها يا اسفار پنجگانه بوده اند (حدود 1400 ق.م) يا ايوب (که تاريخ آن نامشخص است، اما محتوای آن حاکی از زماني سخن مي گوید که هنوز شريعت اعطا نشده بود).

ديگر کتابهايي که به دنبال آن مي آيند پيش از دوره تبعيد (حدود 600 ق.م) نوشته شده اند، کتابهايي همچون يوشع الي سموئيل، و يا اينکه در دوره تبعيد نوشته شده اند (همچون مراثي و حزقيال)، و يا پس از تبعيد، کتابهايي همچون تواريخ، حجي، زکريا، و ملاکي (حدود 400 ق.م).

6. درون مايه

محتوای عهد عتيق، بر طبق نسخه هاي پروتستاني كتاب مقدس را مي توان به اختصار اينگونه بيان کرد:

اسفار پنجگانه: پيدائش تا تثنيه

تاريخي: يوشع الي استر

شعري: ايوب الي غزل غزلهاي سليمان

نبوتي: اشعيا الي ملاکي

مقدمه هاي مجزا براي هر يك از اين قسمتهاي اصلي عهد عتيق در تفسير كتاب مقدس براي ايمانداران در جاي مناسب خود يافت مي شود.

مسيحي اي که درك درستي از اين كتب داشته باشد، همراه يا مکاشفه کاملتر در عهد جديد، «براي هر

عمل نيکويي آماده خواهد شد.»

دعای ما اين است که اين تفسير (BBC) بتواند بسياري از ايمانداران را ياري کند که ايمانداري به تمام

معنا باشند.

7. زبانها

1. عبري

به جز برخی از قسمتهایی که به زبان آرامی که یکی از شاخه‌های زبان سامی است، نوشته شده است، عهد عتیق در اصل به زبان عبری نوشته شده است.

ایمانداران شگفت‌زده نیستند از اینکه خدا از يك ابزار بسیار مناسب برای قسمتهای اولیه کلام خود استفاده کرده است، زبانی بسیار غنی در اصلاحات و تمثیلهای، که در تار و پود روایت‌های الهامی، شعر، و شریعتی که عهد عتیق را شکل داده، به زیبایی تنیده شده است. عبری یکی از زبانهای باستانی است - اما تنها زبانی است که (به طرز معجزه‌آسایی) احیا شده و تبدیل شده به زبان امروزی يك ملت - اسرائیل.

عبری از راست به چپ نوشته می‌شود، در اصل تنها حروف مصوت آن به این شکل هستند. شخصی که به صدای بلند آن را می‌خواند حروف صدادار را با توجه به دانش خود می‌خواند. خوشبختانه، این امر باعث شد متن عبری برای قرن‌ها خوانا باشد، چرا که غالباً حروف صدادار بودند که از قرنی به قرن دیگر، از کشوری به کشور دیگر و منطقه‌ای با منطقه دیگر تغییر می‌کنند.

گاهی اوقات آنچه نوشته می‌شد (که *kethîv* نام داشت)، واژه‌هایی همچون نام خدا، در گمان مردم مقدس بود و نمی‌شد آن را تلفظ کرد پس یادداشتی در حاشیه نوشته می‌شد که چگونه آن را با صدای بلند تلفظ کنند (*qerê*). همچنین وضعیت در مورد اشتباهات نسخه‌برداران و نیز واژه‌هایی که پس از گذشت قرن‌ها رکیک تلقی می‌شد چنین بود.

در قرن‌های اولیه مسیحیت عالمان یهودی را مازورت می‌نامیدند (که معادل آن در زبان عبری سنت است). می‌بینید که زبان عبری دیگر منسوخ شده بود، و برای اینکه قرائت صحیح متن مقدس عهد عتیق را حفظ کنند يك نظام آواشناسی پیچیده ابداع کردند که تشکیل شده بود از نقطه‌ها و خط تیره‌هایی که بالا و غالباً در زیر بیست و دو صامت عبری قرار داده می‌شد تا مصوت‌های مقرر شده را نشان دهند. حتی امروز هم این «مصوت‌های» قدیمی بسیار صحیح‌تر و علمی‌تر از املاء انگلیسی، فرانسوی و حتی آلمانی است!

متن‌های مصوت‌دار نیز منبع قرائت‌های مختلف است، زیرا بارها شده که گروهی از صامتها با مصوت‌های گوناگون دارای قرائت‌های گوناگون باشند، و از این رو معانی مختلفی نیز داشته باشند. غالباً چارچوب متن تعیین‌کننده مفهوم اولیه است، البته نه همیشه. هجاهای گوناگون از اسامی در تواریخ (نگاه کنید به تفسیر) که با پیدایش متفاوت است، بیشتر به خاطر این پدیده است.

با اینحال، رویهم‌رفته متن سنتی یا مازورتی، به خوبی حفظ شده است. و این شهادتی زنده است از احترام بسیار یهودیان به کلام خدا. هنگامی که به مشکلی بر می‌خوریم غالباً نسخه‌های قدیمی (همچون تارقوم، هفتاد، و ولگیت) ما را در انتخاب واژه صحیح کمک می‌کنند. از اواسط قرن بیستم که طومارهای دریای مرده کشف شدند، اطلاعات بسیاری در مورد متن عبری در اختیار ما قرار گرفت - که غالباً تأییدی بودند بر صحت متن مازورتی.

خوشبختانه باید به آندسته که عهد عتیق را با ترجمه انگلیسی می‌خوانند این مژده را دهیم که عبری بسیار زیبا به انگلیسی ترجمه شده است - بسیار بهتر از ترجمه لاتین، به عنوان مثال همانگونه که ویلیام تیندیل (William Tyndale) مترجم بزرگ دوره اصلاحات در قرن شانزدهم مطرح کرده است. تفسیر ما (BBC) در حقیقت مستقیماً بر مبنای کار اولیه تیندیل در عهد عتیق است. او کار خود را از پیدایش تا تواریخ شروع کرد و سپس قسمتهایی از کتب شعری و قسمتهای نبوتی را اصلاح کرد تا اینکه دادگاه تفتیش عقاید او را به خاطر فعالیت‌هایش بر روی چوبه دار آتش زد (1536). دیگران اصلاحات او را در عهد عتیق کامل کردند و در سال 1611 در نسخه‌ای به نام کینگ جیمز به دنیا معرفی کردند و همین اواخر در سال 1982 تجدید نظری در آن صورت گرفت و به نام نسخه کینگ جیمز جدید (New King James Version) به بازار آمد.

2. آرامی

آرامی هم به مانند عبری يك زبان سامی است، اما نه يك زبان یهودی بلکه زبانی که برای قرن‌ها مردم در دنیای باستان با آن سخن می‌گفتند. وقتی زبان عبری برای یهودیان تبدیل شد به زبانی مرده، عهد عتیق باید برای آنها نیز به زبان آرامی ترجمه می‌شد، زبانی که ارتباط نزدیکی با عبری داشت اما با آن فرق می‌کرد و بنی‌اسرائیل آن را با آن سخن می‌گفتند. نسخه‌ای که با آن سر و کار داریم احتمالاً حوالی سال 400 ق.م از آرامی وام گرفته شده است و آرام آرام تبدیل شد به نامه‌های هنری که امروزه برای دانشجویان زبان عبری آشنا است.

غالب حقایقی که در مورد زبان عبری ذکر شد در مورد آن قسمتهای عهد عتیق که به زبان آرامی نوشته شده است نیز صادق است. این عبارات بسیار اندک هستند، و می‌توان پی‌برد که غالباً در مورد ارتباط اسرائیل با همسایگان غیریهودی خود همچون دوده تبعید بابل و پس از آن است.

8. ترجمه

زبان انگلیسی از ترجمه‌های بسیاری بهره‌مند شده است (شاید بتوان گفت بسیار زیاد!). با اینحال ترجمه‌های عهد عتیق کمتر از ترجمه‌های عهد جدید می‌باشند. این ترجمه‌ها به چهار نوع تقسیم می‌شوند:

1. بسیار تحت‌اللفظی

ترجمه «جدید» جی. ان. داربی (J.N. Darby) در سال 1882 (عهد جدید آن بسیار زودتر انجام شده بود)، نسخه اصلاح شده انگلیسی سال 1881 (English Revised Version of 1881) و نسخه آمریکایی آن یعنی نسخه استاندارد آمریکایی (American Standard Version) در سال 1901، بسیار تحت‌اللفظی هستند. این ترجمه‌ها برای مطالعه دقیق بسیار مفید هستند اما برای پرستش، قرائت‌های جمعی، و حفظ کردن ضعیف می‌باشند. بسیاری از ایمانداران هنوز هم شکوه و زیبایی ترجمه تیندیل - نسخه کینگ جیمز را ترک نکرده‌اند و آن را به این نسخه‌های جدید و مفید اما کمی خشک ترجیح داده‌اند.

2. معادل دقیق

نسخه‌هایی که کاملاً تحت‌اللفظی هستند و در زبان مقصد (انگلیسی) دقیقاً الگوهای متن عبری و یونانی را دنبال می‌کنند، در عین حال هر جا که سبک و اصطلاحات متن بطلد ترجمه‌ای آزادتر از متن اصلی به دست می‌دهند، که این ترجمه‌ها شامل KJV، RSV، NASB و NKJV هستند. متأسفانه در مورد ترجمه RSV باید گفت که گرچه غالباً متن عهد جدید آن را خوب و قابل اعتماد می‌دانند، اما این ترجمه به عهد عتیق در آمیخته است و بسیاری از نبوت‌های مربوط به مسیح را کمرنگ جلوه داده است. این گرایش خطرناک حتی امروزه هم در میان برخی از محققان و دانشمندان خوب سابق دیده می‌شود. BBC بدین منظر ویرایش شد تا با ترجمه NKJV مطابقت داشته باشد، ترجمه‌ای که میان ترجمه زیبای KJV و زبان مورد استفاده امروزی قرار دارد، بدون اینکه از واژه و ضمیرهای منسوخ شده در زبان رایج امروز استفاده کند.

3. معادل پویا

این نوع ترجمه کمی آزادتر از معادل دقیق است، و گاهی اوقات هم به سمت تعبیر می‌رود، یک تکنیک نافذ تا هنگامی که خواننده از آن آگاهی دارد. ترجمه‌های (New English Bible) NEB، (New International Version) و Jerusalem Bible در این مقوله می‌گنجند. در این ترجمه‌ها تلاش بر آن است که تمام مفاهیم در ساختار قرار گیرند، ساختاری که اگر موسی و اشعیا هم امروز - به زبان انگلیسی - مبادرت به نوشتن می‌ورزیدند از آن استفاده می‌کردند. اگر این روش به احتیاط انجام شود، روشی بسیار خوب و مفید خواهد بود. در این نوع ترجمه خطر معمولاً زمانی است که مترجمان نتوانند مفاهیم الاهیاتی را به طور کامل و جامع به زبان مقصد انتقال دهند.

4. تفسیر

یک تفسیر به دنبال این است که تنها مفاهیم را انتقال دهد، و از این رو آزاد است که واژه‌ها را حذف و یا اضافه نماید. از آنجایی که ممکن است در این ترجمه جملات کمتر و یا بیشتر شوند همیشه خطر تفسیر بی‌ش از حد وجود دارد. ترجمه Living Bible گرچه انجیلی است در بسیار موارد تفسیرهای قاطعی کرده است که بسیار بحث‌برانگیز هستند.

بهتر آن است که از هر سه دسته ترجمه کتاب‌مقدسی داشته باشیم تا بتوانیم آنها را مقایسه نماییم. با اینحال، اعتقاد ما بر این است که معادل کامل و دقیق برای تفسیر و بررسی ما از کتاب‌مقدس بهترین ترجمه است.

9. الهام

در میان این بحبوحه جزئیات و پیچیدگی‌های تکنیکی صلاح می‌بینیم سخنان چالز هودسون اسپرچن (Charles Haddon Spurgeon) واعظ انگلیسی و بیتیست را برایتان نقل کنیم:

این مجموعه (کتاب‌مقدس) نوشته خدای زنده است: هر واژه با انگشتانی قادر و توانا به رشته تحریر در آمده است؛ هر کلمه از آن از لب‌های ابدی جاری شده است؛ هر جمله از آن را

روح القدس ادا کرده ست. گرچه موسی به کار گرفته شد تا با قلم آتشین خود تاریخش را رقم زند، اما خدا بود که قلم او را می‌لغزانید. شاید داود بود که چنگ خود را می‌نواخت و نغمه‌های مزامیر از انگشتان او پراکنده می‌شد، اما خدا بود که دستان او را بر روی این زه‌های زنده چنگ طلایی او به تحرك وا می‌داشت. شاید سلیمان بود که غزل‌های عاشقانه را می‌سرود، و یا کلام حکمت کمال را تولید می‌کرد، اما خدا بود که لب‌های او را هدایت می‌کرد، و کلام واعظ را شیوا و بلیغ می‌گردانید. اگر به غرش‌های ناحوم گوش فرا دهم، آنگاه که اسپانش آنها را در می‌نوردند، یا حبقوق آنگاه که خیمه‌های جوشن را زیر هجوم مرض می‌بیند؛ اگر ملاکی را بخوانم، آنگاه که زمین همچون تنوری گداخته می‌شود؛ این صدای خداست؛ و این کلام نه کلام انسان بلکه کلام خداست؛ کلام یهوه خدای ابدی، نادیده و قادر زمین.